

مَثَلًا الْقَوْمَ بِرُحْمَةٍ أَدْحَلُوا      فَلَامَ أَتَيْتُ      عَادَ الْمُرْسَلِينَ  
قَوْمًا آتَى اللَّهُ خَيْرٌ أَهْبَطُوا      خَيْرٌ أَمَّا نَ      حَبِطَ أَجْنَبُ

ضمیر و هاء ضمیر  
ضمیر حرف یا کلمه ای است که بجای اسم می آید و بارها از تکرار آن می نیازی نهد و  
معنی (او - آن) می دهد مانند: له (برای او) منه: (در آن) هاء ضمیر  
و حرف بعد از آن در اول کلمه می بعدی

در صورتی که قبل از آن حرکت باشد اسباع می گردد به این صورت که اگر حرکت  
هاء کسره باشد (ه -) تبدیل به یاء کشیده می شود (هی) و در صورتی که حرکت  
عدم اسباع: هرگاه قبل از هاء یکی از حرکات کشیده قرار بگیرد هاء به همان حرکت هاء کسره خوانده می شود  
(هاء) ضمیر باشد (ه -) تبدیل به واو کشیده (هو) می شود  
انَّهُ لَقَوْلٌ بِهِ اُتْمِلُهُ

عَنْهُ      مَالُهُ      اِنَّهُ      عِنْدَهُ      رُسُولُهُ  
مِنْهُ      نَجْنُهُ      رُؤْيُهُ      فَوْقَهُ      يَمِينُهُ  
عدم اسباع: هرگاه دو طرف یا یکی از دو سوی هاء سکون باشد هاء به همان حرکت هاء کسره می خورد  
وقف: مکتب پس از خواندن هر عبارت را با تجوید نفس وقف گویند  
وقف: ما بر کلمه ای وقف می کنیم معمولاً صداهای علامت حرف آخر آن کلمه را  
تفسیر می دهیم مثلاً: رَبُّ الْعَالَمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ

۱- صداهای د و ذ در هلام وقف تبدیل به سلون می شود (وقف سلطان)  
وَالْقَصْرِ      يُوقِنُونَ      عَلِيمٌ خَبِيرٌ      وَلِلَّهِ عَشِيرٌ      اِنَّكَ تَسْتَقِينُ  
شَلَوُ

۲۔ آخرین حرف تفسیری نکند (وقف بعدی تفسیر)

فَإِذَا السَّمَاءُ فَتَتْ ⑧ وَإِذَا السَّمَاءُ فَتَتْ ⑨  
وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ⑩ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا ⑪  
قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي  
إِنَّمَا مَرَّجِعُهُمْ فَنَنْتَبِهُنَّ بِمَا عَمِلُوا

۳۔ حرف آخر کلمہ تبدیل بہ حرفی دیگر می شود (وقف ابدال)

الف، اگر پایان کلمہ (کلمہ) تا آورد یا تا آید تا تبدیل به (هـ) باشد  
دانشه به دانشه کلمه به کلمه

ب، اگر پایان کلمہ متون فتنه دانشه باشد حلام وقف تبدیل به الف می (ب) می  
انشاء به انشاء ا فنجاء به فنجاء طوی به طوی

نکته: تشدید در حالت وقف حرف نمی شود بلکه حرف مشدود یا مقداری علت و  
ملفوظ می گردد فی الحقیقه به فی الحقیقه

نکته: اگر پایان کلمه ای که وقف می شود (ا) باشد نشاء غرآن است که الف حلام  
وقف خوانده می شود اما در حلام وصل این کلمه به کلمه بعد ا ما خوانا است  
وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا ⑫ فَأَضِلُّونَا السَّبِيلَا ⑬

علامہ وقف : مائنا الان نحوه وقف بر کلمات و آموختیم در این جا با این تصویر نگاشته  
 نمی توان وقف کرد بلکه در میان علمه ای وقف می کنیم که در معنای آیه خلقی ایجاد شود

م وقف لازم

لا وقف مصنوع

صلی وصل بجهت از وقف اما وقف هم می توان کرد.  
 قلی وقف بجهت از وصل است اما وصل هم می توان کرد.  
 ج وقف جایز هم می توان وقف کرد و هم می توان وصل کرد.  
 (.. وقف مراقبه اگر بر روی یکی وقف کردید برای دیگری نمی توان وقف کرد  
 می تواند بر هیچ کدام هم وقف نکند.)

الف وصل :

اگر بعد از الف وصل حرف لام نباید با فتحه خوانده می شود

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ

اگر بعد از الف وصل حرف لام نباید اگر اولین حرف حرکت دارد بعد از الف وصل صدقه داشته باشد

با فتحه و اگر کسره یا فتحه داشته باشد با کسره خوانده می شود.

أَتُحِبُّ ۚ أَتُحِبُّ ۚ أَسْتَغْنِي ۚ أَسْتَغْنِي ۚ

أَرْجِعُوا ۚ أَرْجِعُوا ۚ



احکام چهارگانه تنوین و طول ساکنه

اعلاب (قلب به صم) (نور حرف د) (نور حرف د)

هر وقت بعد از یون ساکن یا تنوین حرف ب قرار گیرد برای سهولت تلفظ حرف  
«ن» تبدیل به «م» می شود؛ این قاعده اعلاط نام دارد.

وَاَيُّهَا النَّبِيُّ

در برخی قرآن ها در این موارد برای راهنمایی قاری با املای حرف «ن» یا به جای تکرار  
حرکت به عنوان تنوین حرف «م» نوشته شده است.

فَرَأَى النَّبِيَّ ، يَوْمَئِذٍ يَبِينُ صَبَّأً اُنْبُوْا

ادغام

در اصطلاح علم قرائت عبارت است از «داخل کردن حرفی در حرف دیگر به طوری که

اثری از حرف اول باقی نماند و حرف دوم مشدداً و اسوَر (ادغام در دو کلمه جدا از

هم انجام می شود)

ادغام در بیرون

موارد ادغام (ادغام یون ساکنه و حرف بیرون)

۱- دو حرف مثل صم مانند قَدْ خَلَوْا (در دو کلمه افهاری سور دنیا- بیان

مضارع- تنوین)

۲- حرف «ب» در «م» مانند اَرْكَبْ مَعْنَا

۳- حرف «ق» در «ک» مانند اَلَمْ تَخْلُقْ

۴- حرف «ل» در «ر» مانند قُلْ رَّبِّي

۵- حرف «ت» در «ظ» هرگاه دو تا از آنها با شرایط ادغام در کنار هم واقع شوند

اَلتَّحَايِفَةُ عِبْدَتُمْ

۶- حرف «ث» در «ظ» هرگاه دو تا از آنها با شرایط ادغام در کنار هم واقع شوند

عَمْتُ ذَلِكْ اِذَا ظَلَمْتُمْ

۷- حرف یون ساکن و تنوین در حرف بیرون

مَنْ يَحْمِلُ مِنْ مَّالٍ

مِنْ مَشْهُدٍ

اظهاره به معنای ظاهر کردن بوده و در کجید عبارت است از اولا حروف از آخر هر  
 حرف هون ساکن یا تنوین به ۲ حرف جلیس برسد اظهار می گردد

۱-۶	کُلُّ لَامِن	مِنْ اَمْرِصَم	يَنَّاوَن
هـ	فَرِيحاً هَدَى	اِنْ هُوَ	صَنَمٌ
ع	سَمِعْتُ عَلِمْتُ	مِنْ عَمَلٍ	اَنْعَمْتُ
ح	حَلِمْتُ <del>عَلِمْتُ</del> هَدَيْ	فَمَنْ هَجَّ	تَنَفَّسُونَ
ع	عَوَّلَا غَدَرَا	مِنْ عِلٍّ	فَسَيَغْفِرُونَ
ح	حَلِمْتُ خَسِرْتُ	مِنْ خَيْرٍ	الْمُحْسِنَاتُ

اجکام چهارگانه تنوین و دوون ساکنه

اعلاب (قلب به صمیم) (نور حرف و ب)

۱

هر وقت بعد از یون ساکن یا تنوین حرف «ب» قرار گیرد برای سهولت تلفظ حرف «ن» تبدیل به «م» می شود؛ این قاعده اعلااب نام دارد  
صَلِّ لِقَدْرٍ دَائِلَةٍ لَيْسَةٍ

در برخی قرآن ها در این موارد برای راهنمایی قاری با املای حرف «ن» یا به جای تکرار حرکت به عنوان تنوین حرف «م» نوشته شده است  
مَرَاتِلًا لِّلنَّسِیْمِ ، یَوْمَ یُؤْمِنُ الذُّبُنُ بِمَا صُنِفَ اُنْشُرُوا

۲ ادغام

۲

در اصطلاح علم قرائت عبارت است از «داخل کردن حروف در حروف دیگر به طوری که اثری از حرف اول باقی نماند و حرف دوم مشدود را شود» (ادغام در دو کلمه جدا از هم انجام می شود)

ادغام در بیرون

موارد ادغام

- ۱- دو حرف مثل ضم مانند قَدْ خَلَوْا
- ۲- حرف «ب» در «م» مانند اَرْكَبُ مَعْنَا
- ۳- حرف «ق» در «ک» مانند اَلَمْ تَخْلُقْ
- ۴- حرف «ل» در «ر» مانند قُلْ رَّبِّیْ
- ۵- حروف «ت» و «ط» هرگاه در آنها با سُرابط ادغام در کنار هم واقع شوند قَالَتْ طَائِفَةٌ عِبْدُ ثَمَرٍ
- ۶- حروف «ث» و «ظ» هرگاه در آنها با سُرابط ادغام در کنار هم واقع شوند یَلْعَنُ ذَٰلِكَ اِذَا ظَلَمْتُمْ
- ۷- حرف «ن» ساکن و تنوین در حرف بیرون مِّنْ یَّقُولُ مِّنْ مَّالٍ مِّنْ مَّشْهُدٍ

اظهاره به معنای ظاهر کردن بوده و در کتب عبارت است از اواخر حرف از آخر هر  
 هرگاه بین ساکن یا تنوین به ۲ حرف حلقی برسد اظهار می گردد

۱ - ۶	كُلُّ لَامِن	مِنْ اُمَرِهْم	يَنَّاوُن
هـ	قَرِيبًا هَدَى	اِنْ هُوَ	مِنْهُمْ
ع	سَمِعْتُ عَلِمْتُ	مِنْ عَمَلٍ	اَنْعَمْتُ
ح	حَلِمْتُ عَلِمْتُ هَدَى	فَمَنْ حَقَّ	تَنَحَّيُونَ
ع	قَوْلًا غَيْرَ	مِنْ عِلٍّ	فَسَيَعْمَلُونَ
ح	حَلِمْتُ خَسِرْتُ	مِنْ خَيْرٍ	الْمُنْجِبَةُ



به نظر خدا

همزه قطع و وصل

همزه قطع در اول و وسط کلمه می آید و دارای علامت

می باشد و در بعضی از قرآن ها بالا و یا زیر آن علامت

قطع و نوشته می شود مانند اِن - اَن

اَکْثَر = اَکْثَر

همزه وصل در اول کلمه می آید و تنها در صوت شروع

کلام از آن خوانده می شود یعنی در وسط کلمه خوانده

نمی شود در رسم الخط عربی علامت هـ (صاد کوچک)

نشانه همزه وصل است. چند مثال

اَلْحَمْدُ - وَالْحَمْدُ اَسْمَعُوا - وَاَسْمَعُوا

اَسْتَرُّ - اَنْ اَسْتَرُّ



نحوه خواندن همزه وصل

با توجه به اینکه همزه وصل صداهای حرکت ندارد برای خواندن آن باید با استقفاها از قواعد زیر صداهای آنها را یافته و بخوانیم

۱- اگر بعد از همزه وصل حرف ل آمده باشد همزه وصل با صدای فته خوانده می شود مثل اَلَّذِينَ

۲- اگر بعد از همزه وصل بقیه حروف الفبا (غیر از لام) آمده باشد در صورتی که سومین حرف مفتوح باشد

با همزه وصل را با صدای کسره می خوانیم  
اَصْنَعُ ← اَحْمِلُ ← اَشْجَعُ

ب- در صورتی که سومین حرف صدای فته داشته باشد همزه

وصل را با صدای فته می خوانیم

اَنْصُرُ ← اَدْعُونِي

در مقامات پیش از الّا شَم (در سوره حرات

آیه ۱۱) چون هر دو همزه های وصل خوانده می شود

الفتاق ساکنین (بر خورد دو ساکن) به وجود می آید

به ساکن اول برابر با بن قائم دال (کسره مرد حقیق

در نتیج هم خوانده می شود پیش الّا شَم)

پیش (شَم) البته به مورد حروف ناخوانا است

اول هر حرف ناخوانا: خانم خدا شفا من نوشته بودند

۵- همزه وصل در صورتی که در وسط کلام باشد

خوانده می شود و اُضْبِر

۶- هرگاه حروف می آخر کلمه به همزه وصل پیوند

در صورت اتصال دو کلمه حروف می خوانده نمی شود

و حکایت که تا قبل از آن به حرف می از همزه وصل متصل

می شد **هَذَا الْوَعْدُ - قَالُوا أَذِئْتُمْ**

ناخوانا

ناخوانا



در معانی بخشش الّا شتم (در معنی حشرات  
 آیه ۱۱) چون هر دو همزه‌های وصل خوانده می‌شود  
 القطار ساکنین (بر خورد دو ساکن) به وجود می‌آید  
 به ساکن اعلیٰ برای این قاعده (کسره مورد حتم  
 در نتیجه خوانده می‌شود بخشش الّا شتم)  
 بخشش (شتم) البته به مورد حروف ناخوانا سرکار  
 ادغام حروف ناخوانا، مانند خداشناس نوشته بودند  
 ۵- همزه وصل در موردی که در وسط کلام باشد  
 خوانده می‌شود و آفتاب  
 ۶- هرگاه حروف صدی آخر کلمه به همزه وصل پیوند  
 در صورت اتصال دو کلمه حروف صدی خوانده نمی‌شود  
 و حکایت که تا قبل از آن به حرف صدی از همزه وصل متصل  
 می‌شد **هَذَا الْوَعْدُ - قَالُوا أَذِئْتُ**  
 ناخوانا ناخوانا



۷- لام تقدیم از حروف تنسیق

عَلِمُوا أَنَّمَا أُهْبِتَ  
بِأَعْيُنِهِمْ

لام بعد از همزه وصل بار سید - ۴۱ احرف زبان عربی

حواشی نه شود (این حرف ۲ حرف تنسیق نامیده می شود)

یکی از نشانه های آخرا علامت (ت) تدریجی حرف

بعد از لام است. التَّاءُ الضَّعِيفَةُ

اما زمانی که حرف لام بعد از همزه وصل ۲۱ احرف دیگر

زبان عربی پس تلفظ می شود این حرف معروف

عربی نامیده می شود و یکی از نشانه های آخرا و در دسترس

تلفظ علامت سکون بر روی حرف ل است.

عَلِمُوا أَنَّمَا أُهْبِتَ - الْخَزْنَةُ

لغوی - لغوی

۱- و او می‌تواند در یک حرکت خطی حرکت کند

در شتاب، زیرا او می‌تواند در یک حرکت خطی  
حرکت کند و از آن می‌تواند در یک حرکت خطی  
حرکت کند (۱) بر او می‌تواند در یک حرکت خطی  
حرکت کند

توبی - اولو - اولو - اولو

اولو - سولو - سولو - سولو  
به این صورت هم می‌تواند در یک حرکت خطی  
حرکت کند

روش خواندن توبی نزد حضرت وصال

هرگاه چند توبی (۱) در یک حرکت خطی  
توبی واقع شود برای اینکه افعال به راحتی  
توبی شود در هر گام وصال توبی می‌تواند  
توبی حرکت کند

مثال مثل القدم ← مثلن القدم

مثلن القدم

عَدْنِ الَّتِي ← در قرآن: این مَثَلَنَ نوشته شده  
عَدْنِ الَّتِي  
عَدْنِ الَّتِي

این قاعده فقط مخصوص دارندینون نزد حرفه  
و اصل سبب است بکلمه صورت کلی هرگاه در حرف ساکن

به غیر از زمان حرف بر کس در کنار کس قرار گیرد  
لازم است برای قرائت صحیح حرف ساکن اول

را کسره دهیم مانند بئس الأسم

که خوانده می شود بئس لیس